

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله قیامت و آخرت ۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی
رسول الله و علی آله و اصحابه الی یوم الدین و
اما بعد :

بعد از اینک مردم از موقف قیامت خلاص می شوند، وارد تاریکی قبل از صراط می گردند. صراط پلی است که بر بالای جهنم زده شده است. چنانکه در حدیث عایشه آمده است که از رسول خدا صلی الله علیه وسلم پرسیده شد: وقتی زمین و آسمان ها دگرگون می شوند، مردم کجایند؟ فرمود:

«در تاریکی قبل از پل».

در اینجا است که منافقان از مؤمنان خدا می گردند و مؤمنان پیشی گرفته و آنها باز می مانند و دیواری زده می شود که مانع رسیدن آنها به مؤمنان می گردد.

خداوند تعالی می فرماید:

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَانُكَمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ١١﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُتَّقُونَ وَالْمُنْفِقُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْظِرُونَا نَقْتَسِبْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ أَرْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ١٢﴾ يُنَادُوهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ١٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ

مِنْكُمْ فَذِيَّةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ مَوْنُكُمْ النَّارُ ۖ هِيَ مَوْلَانُكُمْ ۖ وَتَسَّ الْمَصِيرُ ١٤﴾ (الحديد / ۱۲-۱۵)

«روزی که مردان و زنان مؤمن را خواهی دید که نورشان پیشاپیش آنان و در سمت راستشان در تالاب و درخشش است، مزده باد که امروز به بهشتی وارد می شوید که در زیر آن رودبارها جاری است و جاودانه در آن به سر می برند و می مانند و این پیروزی بزرگ است * روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند کمی صبر کنید تا از نورتان استفاده کنیم. بدیشان گفته می شود: به عقب برگردید و نوری بیابید در این حال ناگهان دیواری میان آنان زده می شود که دری دارد. داخل آن رو به رحمت است و خارج رو به عذاب است * منافقان بر مؤمنان فریاد می زنند: مگر ما در دنیا با شما نبودیم می گویند: «چرا، ولی شما خودتان را در بلا افکندید و (امروز و فردا کردید) و تردید آوردید و آرزوها شما را غرّه کرد تا فرمان خدا آمد و [شیطان] مغرورکننده، شما را درباره خدا بفریفت * پس امروز نه از شما و نه از کافران هیچ غرامتی پذیرفته نخواهد شد، جایگاه شماها آتش دوزخ است، دوزخ پناهگاهتان است و چه بد سرنوشتی و چه بد جایگاهی است».

﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا

مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَيَايَمُهُمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾ (التحریم / ۸)

«ای مؤمنان، به درگاه خدا برگردید و توبه خالصانه‌ای بکنید شاید پروردگارتان گناهانتان را محو نماید و بزدايد و شما را به باغ‌های بهشتی داخل نماید که از زیر آن رودبارها روان است، این کار در روزی خواهد بود که خداوند پیغمبر و کسانی که با او ایمان آورده‌اند را خوار و ذلیل نمی‌دارد، نور ایشان در پیشاپیش و در طرف راستشان قرار دارد، می‌گویند: خداوند! نو ما را کامل گردان و ما را ببخشای؛ چرا که تو بر هر چیزی بس توانایی.»

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا﴾ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿٢٩﴾ ثُمَّ لَنَخْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٣٠﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٣١﴾ ثُمَّ نُنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًّا ﴿٣٢﴾ (مریم / ۶۸-۷۲)

«سوگند به پروردگارت هر آینه کافران را همراه با شیاطین گرد می‌آوریم و سپس ایشان را گردا گرد دوزخ به زانو اندخته و ذلیلانه حاضر می‌شویم * سپس از میان هر گروهی افرادی را بیرون می‌کشیم که سرکش‌تر از همه در برابر خداوند مهربان بوده‌اند * سپس ما بهتر می‌دانیم که

چه کسانی برای سوختن در آتش اولویت دارند * همه شما بدون استثناء وارد دوزخ می‌شوید این امری است حتمی و فرمانی قطعی از طرف پروردگارتان است سپس پرهیزگاران را نجات می‌دهیم و ستمگران را ذلیلانه در آن رها می‌سازیم.»

خداوند به خودش سوگند یاد کرده است که بنی‌آدم و آن شیاطینی که از آنها اطاعت می‌کرده‌اند و آنها را مورد پرستش قرار می‌داده‌اند همگی را با خواری و ذلت و بر زانو نشسته حول جهنم گرد می‌آورد و تا به سزای اعمالشان برسند. چنانکه می‌فرماید:

﴿وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُحْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ ﴿٢٨﴾ (الجاثیه / ۲۸)

«هر ملتی را می‌بینی که متواضعانه بر زانوهایش نشسته‌اند، هر ملتی به سوی نامه اعمالش خوانده می‌شود.»

از ابن عباس روایت شده که «منظور از جاثیه این است که آنها ایستاده و شاهد منظره وحشتناک جهنم بوده، در حالی که مطمئن شده‌اند که به آن وارد خواهند شد». چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿وَرَأَىٰ الْمَجْرُمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عِنَهَا مَصْرَفًا﴾ ﴿٥٣﴾ (الکهف / ۵۳)

«گناهکاران آتش دوزخ را می‌بینند و می‌دانند که ایشان بدان می‌افتند لیکن پناهگاهی نمی‌یابند که از آن فرار کنند.»

﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا﴾ (مریم / ۷۱)

ابن مسعود گوید: این سوگندی واجب از طرف خداوند است.

در صحیحین از حدیث زهری از سعید بن المسیب از ابوهریره روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«کسی که سه تن از فرزندان وفات یابند، آتشی به او نخواهد رسید؛ مگر به اندازه رفع سوگند.»

مفسرین در بیان معنوی حقیقی این ورود اختلاف دارند که قول راجح چنانچه در تفسیر نیز مقرر ساخته‌ایم، همان عبور از صراط است.

چون در ادامه آیه خداوند می‌فرماید: سپس پرهیزگاران را نجات داده و ستمگران را ذلیلانه در آن رها می‌سازیم. مجاهد می‌گوید: تب، پناه مؤمن از جهنم خواهد بود.

سپس آیه: ﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا﴾ (مریم / ۷۱)

را تلاوت نمود. ابن جریر در تفسیرش حدیثی شبیه به این را از ابوهریره روایت می‌کند که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم به عیادت یکی از اصحابش که تب کرده بود رفته و من نیز با او بودم سپس فرمود:

«خداوند می‌فرماید: این آتش من است که من آن را به بنده مؤمنم می‌چشانم تا جایی آتش آخرت را بگیرد». سند آن حسن است.

امام احمد از عبدالله بن مسعود روایت می‌کند:

﴿وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا﴾ (مریم / ۷۱)

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مردم همگی وارد جهنم می‌شوند سپس بر حسب اعمالشان از آن بیرون می‌آیند».

امام احمد از ام‌بشر، همسر زید بن حارثه، روایت می‌کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم در منزل حفصه (حفصه دختر عمر بن الخطاب ام‌المؤمنین رضی الله عنهما) فرمودند:

«کسی که در غزوه بدر و صلح حدیبیه حضور داشته، وارد جهنم نخواهد شد. حفصه گفت: مگر نه اینکه خداوند فرموده: ﴿وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا﴾ (مریم / ۷۱)

رسول خدا صلی الله علیه وسلم در جواب فرمودند: اجازه بده، مگر نه بعدش می‌فرماید: ﴿ثُمَّ تُنَجَّى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَتَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا﴾ (مریم / ۷۲)

امام بخاری در حدیث شفاعت از ابوهریره روایت می‌کند که فرمود: پل جهنم بر پا می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: من اولین کسی هستم که از آن عبور

می‌کند. پیامبران دعا می‌کنند: خداوندان نجات ده، خداوندان نجات ده، در آن اره یا خارهایی همچون خار سعدان وجود دارد، آیا خار سعدان (سعدان: گیاهی است که خارش در بین عرب آن زمان معروف بوده است) را دیده‌اید؟ گفتند: آری یا رسول خدا صلی الله علیه وسلم. فرمود: آن همچون خار سعدان است، ولی اندازه‌اش و بزرگیش را فقط خدا می‌داند، هر کس به اندازه اعمالش گرفتار می‌شود. گروهی با اعمالشان هلاک می‌گردند و گروهی بعد از خدشه خوردن خود را نجات می‌دهند.

بخاری بار دیگر در حدیث شفاعت از ابوسعید خدری سخنان رسول خدا صلی الله علیه وسلم را روایت می‌کند که فرمودند: سپس جسر آورده شده و در دو طرف جهنم قرار می‌گیرد. گفتیم: ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم! جسر چیست؟ فرمود: لغزشگاهی که قدم بر آن استوار نشود، آهن‌ها و میخ‌های نوک‌تیز، اره‌های برنده و درخت خسک که در منطقه نجد به نام سعدان معروف است و خاری سه طرفه با نوی کج دارد که عابر از آن درامان نمی‌ماند، بر آن گذراده شده است، مؤمن در یک چشم به هم زدن (طرفه‌العین) یا همچون برق و یا مانند باد و یا مثل اسبان تیزرو و یا همچون شترسوار از آن عبور می‌کند، گروه به راحتی عبور کرده و گروهی با کمی سختی و زخم برداشتن از آن عبور می‌کنند و گروهی نیز با جهنم دست و پنجه نرم کرده و تا اینکه آخرین نفر کشان کشان از آن عبور می‌نماید. هر کس به اندازه اعمالش در آنجا مورد احترام یا اهانت قرار می‌گیرد و آنجاست که انسان‌ها

قدر لحظات از دست رفته دنیا را خواهند دانست، ولی چه سود که کار از کار گذشته است)

مسلم از ابوهریره و حذیفه بن الیمان روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خداوند مردم را جمع می‌کند، وقتی بهشت به مؤمنان نزدیک می‌گردد و آنها نزد آدم رفته و می‌گویند: ای پدر، در بهشت را برایمان بگشا. در جواب می‌گوید مگر نه گناه پدرتان بود که شما را از بهشت بیرون رانده است. این کار، کار من نیست نزد فرزندم ابراهیم خلیل الله بروید. ابراهیم نیز می‌گوید: این کار من نیست من بعد از بعد، خلیل الرحمن شده‌ام. نزد موسی بروید که خداوند با او سخن گفته است. نزد موسی آمده و او می‌گوید: این کار من نیست عیسی کلمه خدا و روحش بروید. عیسی نیز می‌گوید: این کار من نیست. نزد محمد آمده او برخاسته و به او اجازه داده می‌شود و امانت و خویشاوندی نیز فرستاده شده و در دو طرف صراط سمت چپ و راست قرار می‌گیرند. (اشاره‌ای است به اهمیت ادای امانت و صلح‌رحم و خویشاوندی) و نخستین نفرتان همچون برق می‌گذرد. گفتیم: پدر و مادرم فدایت باد یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! عبور همچون برق چگونه است؟ فرمود: آیا برق را ندیده‌اید که در یک چشم به هم زدن می‌آید و می‌رود، سپس همانند باد و همچون پرندگان و مردان تیزرو و سریع عبور می‌کنند، اعمالشان آنها را حرکت می‌دهد. پیامبرتان بر صراط ایستاده و دعا می‌کند: خداوند! سلامت بدار، سلامت بدار، و وقتی اعمال کم می‌شود،

قدرت عبور نیز ضعیف می‌گردد و کسانی که کشتن کشتن عبور می‌کنند و در دو لبه صراط ارها و خارهایی مأمور شده‌اند که طبق دستور مانع عبور گردند. خلاصه گروهی با خراش و زخم و همه مشقات عبور کرده و گروهی نیز به جهنم سرازیر می‌گردند.

ابوهریره می‌گوید: «قسم به کسی که جان ابوهریره در دست اوست، تا قعر جهنم هفتاد سال فاصله وجود دارد».

در صحیح بخاری ثابت گشته است:

«هر کس در راه خدا دو صنف را از هر چیزی انفاق نماید (در روایات دیگر توضیح آن چنین آمده است: دو صنف از هر کالایی یا از هر حیوانی یا از هر چیز دیگری که باشد)، نگهبانان بهشت او را صدا می‌زنند: ای بنده خدا! این در بهتر است. کسی که اهل نماز است، از باب الصلاه دعوت می‌شود و کسی که اهل زکات است، از باب الزکات دعوت می‌شود و کسی که اهل روزه است، از باب الریان دعوت می‌شود. ابوبکر صدیق فرمود: به خدا سوگند یا رسول‌الله صلی الله علیه وسلم! انسان از هر دری از این درها دعوت شود، مشکلی نخواهد داشت، آیا کسی هست که از همه درها دعوت شود؟ فرمود: آری و امیدوارم که تو ای ابوبکر از آن جمله باشی، و وقتی وارد بهشت می‌شوند به سوی منازلشان راهنمایی می‌گردند آنها خانه‌هایشان را بهتر از خانه‌های دنیا می‌شناسند. (طبق احادیث نبوی، بهشت هشت در دارد که عبارتند از: باب الصلاه، باب الریان، باب الزکات، باب الحج، باب الذکر، باب الجهاد، باب الکاظمین الغیض و العافین عن الناس)

در صحیح بخاری از طریق قتاده از ابومتوکل ناجی از سعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «وقتی مؤمنان از جهنم رهایی می‌یابند، روی پلی بین بهشت و جهنم نگه داشته شده تا حقوق یکدیگر را پرداخت نمایند و با همدیگر تسویه حساب نمایند، و بعد از پاک شدن و مهذب گشتن، اجازه ورود به بهشت را می‌گیرند، آنها منازلشان در بهشت را بهتر از خانه‌های دنیویشان می‌شناسند».

قرطبی رحمه‌الله در تذکره، در این حدیث سخن رانده و این پل را صراطی دوم جهت مؤمنان دانسته که کسی از آن به جهنم سقوط نمی‌کند.

باید گفت: این مطلب بعد از گذشتن از جهنم است و احتمالاً این پل بر وحشتی دیگر که از علم ما خارج بوده و فقط خداوند آن را می‌داند استوار باشد والله اعلم.

**وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.**